

در قلمرو ایمن شعر

الینه کورتکاس*



ترجمه‌ی کوشیار پارسی



Image by Jessica Hyde on iStock

* Eline Kortekaas

در دورانی که هر نقطه‌ای از جهان را که دست بکشی دردناک و خونریز است و زندگی روزمره با چالش‌های سنگین اقتصادی، اجتماعی و روانی گره خورده، امید شاید در یک قاب نقاشی، در چند خط از کتابی یا در مصرعی از شعری پنهان باشد.

متنی که پیش رو دارید، روایتی ساده از زندگی در اردوگاه اسارت نیست. بلکه یادآور این حقیقت است که انسان، حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌تواند با واژه‌ها مقاومت کند. واژه‌هایی که مثل چراغ‌هایی کوچک در شب‌های تاریک، به ما یادآوری می‌کنند زیبایی، حتی در دل زشتی، می‌تواند زنده بماند.

خواندن سرنوشت آنان که تاب آوردند، اگرچه پاسخی قطعی نیست، اما هم‌دلی‌ای عمیق در خود دارد.

قلمرو ایمن، گریزگاهی موقت بود از زندگی در اردوگاه اسرای ژاپن در اندونزی جنگ جهانی دوم.

یکی از خاص‌ترین دفترچه‌های موجود در مجموعه‌ی موزه‌ی ادبیات هلند، «قلمرو ایمن» است؛ گزیده‌ای از اشعار که با حروف چینی دستی در اردوگاه بازداشت در جاوه‌ی غربی گردآوری شده.

در برابرم نسخه‌ای آسیب‌پذیر از این گزیده قرار دارد. صاحب اصلی کتابچه، نام خود را با مداد بر جلد نوشته: «ل. فرومان».^۱

در زیر آن، چند نویسه به خط «کانجی» دیده می‌شود؛ خط ژاپنی‌ای که لئو فرومان در دوران بازداشت خود در «چیمامی»^۲ (که امروزه «سیمامی»^۳ خوانده می‌شود) آموخته بود. این شهرک نظامی قدیمی، در چند کیلومتری غرب باندونگ قرار داشت و در دوران اشغال ژاپنی‌ها بر هند شرقی هلند، به یکی از بزرگ‌ترین اردوگاه‌های بازداشت در جاوه‌ی غربی تبدیل شد. «قلمرو ایمن» دقیقاً در همین مکان شکل گرفت. از این مجموعه، پانزده نسخه تهیه شد که تنها سه نسخه‌ی آن باقی مانده است. یکی از آن‌ها در اختیار فرومان بود که اکنون در موزه‌ی ادبیات نگهداری می‌شود.

فرومان پس از بازداشت در باندونگ و سیلاکپ^۴ در اوایل سال ۱۹۴۳ به چیماهی منتقل شد. او در طول زمان اشغال ژاپن، مانند بسیاری دیگر، بارها جابه‌جا شد. در چیماهی، با افرادی چون چالی رابینسون، روب نیوونهاویس و یاکوب هندریک ویلم فینسترا^۵ آشنا شد. دو نفر آخر از اعضای «محفل دوستان علاقه‌مند به فرهنگ» بودند که پیش‌تر در باندونگ شکل گرفته بود. این مردان بعدها به چهره‌هایی شناخته‌شده در عرصه‌ی ادبیات و پژوهش بدل شدند.

پادگانی که آنان در آن نگهداری می‌شدند، به شوخی «اردوگاه کله‌های تراشیده» نامیده می‌شد و به اختصار «ک.ک.ک.»^۶ نوشته می‌شد، زیرا مردان هنگام ورود مجبور بودند سرهای خود را بتراشند. با دانش امروز، این اختصار ناخوشایند است،^۷ اما در آن زمان احتمالاً کسی از وجود سازمانی نژادپرست با همین نام در ایالات متحده آگاه نبود.



صفحه‌ی عنوان قلمرو ایمن، با یادداشت کمرنگ مدادی ل. فرومان در زیر تصویر چاپ چوبی. مجموعه‌ی موزه‌ی ادبیات

واقعیتِ زندگی در اردوگاه، هیچ‌گاه از ذهن و تجربه‌ی روزمره‌ی زندانیان دور نمی‌شد. و پرسش اصلی این بود: «تا کی؟»

بسیاری از اسیران در دوران بازداشت با بیماری‌های جسمی و فرسودگی روحی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. دلتنگی برای عزیزان، فرزندان و اعضای خانواده همواره حضور داشت. در کنار آن، تهدید جابه‌جایی‌های مکرر نیز بر سر زندانیان سایه می‌انداخت و پرسش فراگیر دیگری در فضای اردوگاه طنین‌انداز بود: «تا کی؟»

با این حال، فینسترا لحظه‌ی ورود به چیماهی را «رؤیا» توصیف کرده و نیوونهاویس در کتاب *اندکی جنگ* (۱۹۷۸)، این اردوگاه بازداشت را «بهشت» نامیده است. هر کس اندکی درباره‌ی چیماهی بخواند، درمی‌یابد که چرا این مکان برای برخی، در مقایسه با دیگر اردوگاه‌های اسارت، تا اندازه‌ای آزادتر به نظر می‌رسید.

چیماهی، به تعبیر نیوونهاویس، اردوگاهی «فوق‌سرمایه‌داری» بود؛ جایی که زندانیان می‌توانستند با ابتکارهای شخصی خود، درون دیوارهای اردوگاه کسب درآمد کنند. برای نمونه، کارخانه‌ای برای تولید کره‌ی بادام‌زمینی راه‌اندازی شده بود و اگر کسی پولی در اختیار داشت، می‌توانست با بهایی اندک فنجانی قهوه بنوشد یا در یکی از «وارونگ‌ها» (غذاخوری‌های کوچک) چیزی بخورد. افزون بر این، تیاتر *آرتنیتِه*^۴ نیز برپا بود؛ نمایش‌هایی در آن اجرا می‌شد و با پرداخت پنج سنت، امکان شنیدن موسیقی جَز زنده فراهم بود. از همین‌رو، چیماهی به‌هیچ‌وجه اردوگاهی معمولی به شمار نمی‌آمد.

چند مرد، کارخانه‌ای برای ساخت ورق‌های بازی راه انداختند و برای کل اردوگاه کارت‌های بازی طراحی کردند. این مکان به‌سرعت به محلی برای شکل‌گیری طیفی گسترده از فعالیت‌های خلاقانه بدل شد؛ از طراحی دکور برای تیاتر گرفته تا صحافی و چاپ هنری کتاب‌های نفیس، و حتی خلق پرتره‌های سفارشی. این کارخانه‌ی ورق‌بازی، خیلی زود به «استودیو» تغییر نام داد. بخشی از پیدایش مجموعه‌ی «قلمرو ایمن» نیز مرهون همین فضای خلاقانه بود.

V O O R W O O R D

Lezen tijdschriftbladen, enkele bereikbare bloemlezingen, toevallig overgebleven versen, ze vormen het enige materiaal dat ons ter beschikking stond bij de samenstelling van deze bundel Nederlandse gedichten, tussen twee wereldoorlogen gepubliceerd.

Het plan om hiermee een verzameling versen van vijfende waarde te vormen, kon worden verwezenlijkt door de goed-drift van enige in het krijgsvermogen achtergeblevene tekenners, en de toewijding van hen, die de technische verzorging op zich namen.

Uitendard heeft de beperktheid van het materiaal zowel de uiterlijke verzorging als de inhoud bepaald. Het het laatste betreft: de leuze die wij deden, king, ook zodat wij gebonden waren aan gedichten van kortere adem, niet representatief zijns, noch voor de nieuwere dichtkunst in het algemeen, noch voor de dichters in het bijzonder.

De enige rechtvaardiging van ons werk was de wens aan anderen te bieden, waar wij zelf in ongelijke inselring naar gepogen hebben: een aantal versen, een beelddicht geoid verlegenoordigend, een onschendbaar domein.

Tijnsht, april 1943

De samenstellere
E. Sluwwenhyge
J.H.W. Veenstra

A. Inland Inland

Den dichter van these 11
Dit alland 5
J.C. Klem 7
Het einde van 't jaar 7
Aan den van Nijhof 8
Den van Nijhof 9
Geveliden 9
Hoevel terrier in een Inlandhuis 10
J. Kreshoff 11
Jean-Jacques in 1931 11
W. Kreshoff 12
Tot den arm 12
J.J.W. Vermeulen Duning 14
Den teedere schied 14
W. Nijhoff 15
Holland 15
E. Kreshoff 17
Een den storm 19
J. Kreshoff 20
Quelperk 20
Nevilla 21
Antonia Pouder 22
Oscar Kreshoff 22

1

8

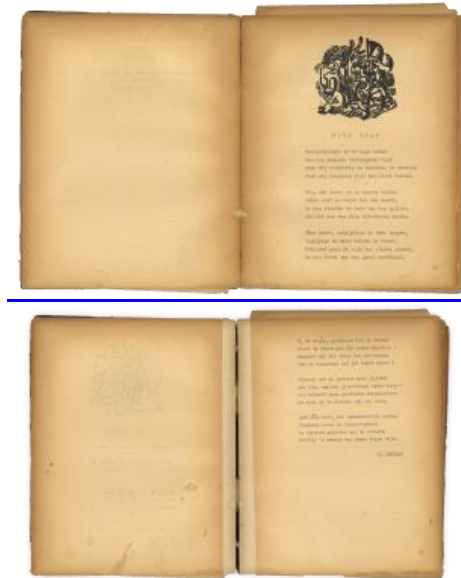
درآمد و فهرست قلمرو ایمن

در آغاز سال ۱۹۴۳، گروهی از زندانیان برای تأمین نیازهایی چون تغذیه‌ی تکمیلی و داروهای ضروری، صندوق یاری اردوگاه را بنیان‌گذاری کردند. منابع مالی این صندوق، از جمله، از طریق اجرای نمایش‌های تئاتر «آترنیتِه» و سفارش‌های هنری «استودیو» تأمین می‌شد. در همین دوره، فینسترا و نیوونهایس تصمیم گرفتند گزیده‌ای از اشعار را گردآوری کنند؛ مجموعه‌ای که طراحی حروف و تصویرگری آن را «استودیو» برعهده گرفت.

اشعار این مجموعه از منابع گوناگونی انتخاب شدند: مجله‌های ادبی همراه زندانیان، چند گزیده‌ی شعر دیگر، و برخی اشعاری که به‌طور اتفاقی رونویسی شده بودند. برخلاف اکثر اردوگاه‌های بازداشت، در چیمای زندانیان اجازه داشتند کتاب‌ها و مجله‌های شخصی خود را نگه دارند - البته پس از بررسی فرماندهی ژاپنی اردوگاه. کتاب‌های تأییدشده با مهر ویژه‌ای علامت‌گذاری می‌شدند؛ مهر مشخصی که می‌توان آن را روی صفحه‌ی عنوان نسخه‌ی «فرومان» نیز دید.

قلمرو ایمن در مجموع حدود ۳۲ شعر از شاعرانی چون م. واسالیس، خریت آختربرخ، ماوریس خیلیامز، ا. دو پرون، یان خرسهوف، ی.س. بلوم، آ. رولاند هولست و ی. اشلاورهوف^۱ است. اغلب این اشعار در فاصله‌ی میان دو جنگ جهانی منتشر شده‌اند. نکته‌ی قابل توجه این که تنها شعر خ.ی. رسلینک با عنوان «سولینگ بر کالی-اورانگ»^۲ به منطقه‌ای در اندونزی اشاره دارد. گرچه در نگاه نخست، شعرهای این گزیده حول محور خاصی گردآوری نشده‌اند، اما چند سطر پایانی شعر «روز خشم» از مارسمان، بار معنایی مجموعه را به خوبی بازتاب می‌دهد:

بگذار یکی ستاره، نشانه‌ای ناچیز
بدرخشد بر فراز این فلاکت
و ما دوباره ایمان بیاوریم به سرزمین‌هایی
فراتر از مرداب این زمانه‌ی پست.



«روز خشم» در گزیده‌ی «قلمرو ایمن»

شعرهای مجموعه‌ی «قلمرو ایمن» باید امیدآفرین می‌بودند و انگیزاننده‌ی خواننده برای آرزوی روزهای بهتر. نیوونهاویس و فینسترا در پیش‌گفتار کتاب، هدف خود را چنین شرح داده‌اند: «تنها توجیه کار ما، آرزوی ارائه‌ی همان چیزی به دیگران بود که خود در انزوا و محدودیت ناخواسته به دنبال آن بودیم: چند شعر، نماینده‌ی قلمرویی خصوصی، قلمروی ایمن.»

هر شعر این مجموعه با تصویرگری منحصر به فردی همراه بود که با محتوای آن هماهنگی داشت. چاپ‌های چوبی به وسیله‌ی س. آدمیرال، هنک دِ فوس، ریس مولدر، ویم اسخیپرز و لئو فرومان^{۱۱} ساخته شده بودند. اینان با نام گروهی «استودیو ک.ک.ک.» در تصویرگری این گزیده‌ی شعر همکاری می‌کردند.

برای ساختن چاپ‌های چوبی، یکی از دروازه‌های تنباری را شکسته و به تکه‌های کوچک تقسیم کرده بودند تا هر کدام از اعضا بتواند مهر خود را بر آن حکاکی کند.

فرومان هفت مهر برای «قلمرو ایمن» طراحی کرد؛ از جمله برای شعر «نووالیس»^{۱۲} اثر اشلاورهِوف و شعر «مادر» از آدریان مورین.^{۱۳} او درباره‌ی روند شکل‌گیری این مجموعه گفته است: «بسیاری از افراد، شعرهای زیادی را از حفظ داشتند و چند مجله نیز همراه خود داشتند که در سفر با خود می‌بردند. همه‌ی آن اشعار را کنار هم گذاشتیم و قالبی ساختیم که چاپ چوبی در آن جای گیرد. سپس متن را در زیر آن چیدیم.»

به سبب مشارکت در این پروژه‌ی ویژه، به فرومان اجازه داده شد به عنوان «همکار موقت استودیو» فعالیت کند، چراکه به دلیل کم‌تجربگی، جایگاه دائمی به او ن داده بودند.

در مجموع، پانزده نسخه از این مجموعه تولید شد؛ هر یک با چیدمان دستی و تصویرگری اختصاصی. با پرداخت پانزده گیلدن - که در آن زمان مبلغ قابل توجهی بود - می‌شد نسخه‌ای از «قلمرو ایمن» را تهیه کرد. درآمد حاصل به صندوق اردوگاه اختصاص یافت. هر نسخه شماره‌گذاری شده بود؛ فرومان نسخه‌ی شماره‌ی ۱۰ را در اختیار داشت. او بعدها در پشت نسخه‌ی خود یادداشت کرد که این نسخه در ۲۴ ژوئیه‌ی ۱۹۴۵ به وسیله‌ی پست در ناگواکا،^{۱۴} ژاپن صحافی شده است.

فرومان پس از چند ماه حضور در چیمایی، در نوامبر ۱۹۴۳ از طریق سنگاپور به اوساکا منتقل شد. در آن جا به عنوان کارگر اسکله مشغول به کار شد و به دلیل ابتلا به

عفونت شدید ریه، در بیمارستان اردوگاه بستری گردید. همین بستری شدن بعدها موجب نجات او شد؛ چراکه در زمان بمباران، بمب آتش‌زا بر ساختمان تلنبار فرود آمد - جایی که او در آن بستری بود. پس از بمباران اوساکا، فرومان با قطار به ناگوآکا منتقل شد و در کارخانه‌ی کرید^{۱۵} مشغول به کار شد.

در ۱۵ اوت ۱۹۴۵، ژاپن تسلیم شد. فرومان پس از آزادی، ابتدا به مانیل رفت و سپس از طریق سان‌فرانسیسکو و شیکاگو به نیویورک سفر کرد. در تمام این مدت، نسخه‌ی «قلمرو ایمن» را همراه داشت؛ نسخه‌ای که اکنون در موزه نگهداری می‌شود.



لئو فرومان، پایین سمت راست، در مانیل در سال ۱۹۴۵ همراه با اسیران جنگی سابق ژاپن: آقای اسخستیلار نشسته و هانس ماسن و ماکس کرایکامپ ایستاده.^{۱۶} عکس: مجموعه‌ی موزه ادبیات

دیگر خریداران مجموعه‌ی شعر «قلمرو ایمن» در آن زمان، ناشناس‌اند. و به‌دلیل سفرهای متعدد به خارج، دور ریختن وسایل برای حفظ جان، و ضبط یا مصادره‌ی دست‌نوشته‌ها به وسیله‌ی اشغال‌گران ژاپنی، تقریباً تمام نسخه‌ها از میان رفتند. فینسترا برای مدتی طولانی بر این باور بود که تنها نسخه‌ی باقی‌مانده را در اختیار دارد؛ نسخه‌ای که در پایان دوران اسارت، از یکی از دوست‌داران اثر دریافت کرده بود. این نسخه اکنون در کتابخانه‌ی سلطنتی لاهه نگهداری می‌شود. بعدها نسخه‌ی سومی نیز کشف شد که در حال حاضر در اختیار دانشگاه لیدن است.

نخستین دفتر شعر فرومان در سال ۱۹۴۶ با نام «شعرها»^{۱۷} به وسیله‌ی نشر کوئیریدو^{۱۸} منتشر شد.

در این مجموعه، آثاری نیز گنجانده شده‌اند که او در دوران اسارت سروده بود؛ از جمله شعر «پرنده‌ی سینه‌برجسته».^{۱۹} فرومان نویسنده، شاعر، نگارگر، خون‌شناس و زیست‌شناس بود. سال‌ها در نیویورک زندگی کرد و همان‌جا نیز چشم از جهان فرو بست. در دوران اشغال ژاپن، شعر فرصتی برای گریز موقت از واقعیت تلخ اردوگاه فراهم می‌کرد. در میان ابیات و بندهای این اشعار، روزنه و تکیه‌گاهی از امید وجود داشت. نیوونهایس بعدها فرومان را «اسیر دست‌نخورده» نامید و نوشت:

«ما نمی‌توانیم بگوییم که لئو واقعیت را پذیرفته بود، اما واقعیت به‌هر حال برای او وجود داشت و هرگونه مقاومت بی‌فایده بود. خوشبختانه لئو این توانایی را داشت که از آن موقعیت به دنیای شخصی خود پناه ببرد. ابتکارات عجیب و غریب او، بازی‌های لغوی غیرمنتظره‌اش، نشانه‌هایی بودند که از دنیای خود به ما می‌فرستاد؛ اما کامل‌ترین بیان، شعرهای او بود. تنها از طریق شعرهایش بود که می‌توانست ما را شریک تجربه‌های خود کند.»

لئو فرومان، به‌معنای واقعی، تجسم مجموعه‌ی شعر مورد علاقه‌اش بود؛ او خود «قلمروی ایمن» و دست‌نخورده‌ای بود که در دل تاریکی، روشنایی را حفظ کرده.

پرنده‌ی سینه‌برجسته

بالا بکش مرا، تا پیش چشمانم
ستارگان از کنار قفس بگذرند،

و رنگ در تاجِ سرمِ دگرگون شود،
و بازگردند هرگاه نوک بزنم به سوی‌شان.
من خود پرنده‌ای هستم در سینه‌ام
که می‌تواند بخواند هنگام که تن‌پوش خود
از هم می‌درد و می‌خورد.
او تنها طعمِ تشنگی را می‌چشد،
هیچ آبی نرم نمی‌کند خوراک تلخ‌اش را؛
و با این حال: اگر تنها یکی پر در دُم
به حفظ خود نگه دارد
آواز و گفتار از دست می‌دهد.
پس آن‌گاه، آن ترانه‌ی نخوانده،
- شب هر چه هم ژرف یا که نور ارغوانی باشد -
و آن شعر ناممکن،
برای او هنوز ناخوانده نیست.
او روز خود را پر از امید می‌سازد
تا با خاشاک در ته نشیمنگاهش
فریادهای شادی‌بخش خود را برآورد.
پس آن‌گاه در غسل تولد می‌میرد.^{۲۰}

¹ L. Vroman

² Chimahi

³ Cimahi

⁴ Cilacap

⁵ Tjalie Robinson / Rob Nieuwenhuys / Jacob Hendrik Willem Veenstra

⁶ K.K.K. / Kale Koppen Kampement

^۷ کوکلاکس کلان

⁸ Theatre Eternité

⁹ M. Vasalis, Gerrit Achterberg, Maurice Gilliams, E. du Perron, Jan Greshoff, J.C. Bloem, A. Roland Holst / J. Slauerhoff

¹⁰ G.J. Resink: Soeling op Kali-Oerang

سولینگ باید نام شخص باشد و کالی-اورانگ نام رودخانه است.

¹¹ S. Admiraal, Henk de Vos, Ries Mulder, Wim Schippers / Leo Vroman

¹² نووالیس نام مستعار شاعر آلمانی فریدریش فون هاردنبرگ (۱۷۷۲-۱۸۰۱) [Friedrich von]

[Hardenberg] است که در اوایل دوران رومانتیک می‌زیست.

¹³ Adriaan Morriën

¹⁴ Beset / Nagoaka

¹⁵ Calcium carbide

¹⁶ Schetselaar / Hans Maassen / Max Kraaikamp

¹⁷ Gedichten

¹⁸ Querido

¹⁹ Borstvogel پرندهای به این نام وجود ندارد.

²⁰ L. Vrotnan, Gedichten, Amsterdam 1946